

# دلهره‌ی کشف، هم‌چون نوشتن کلمه‌ای در دفترچه‌ی یادداشت

نگاهی به کتاب «سفر به دوران دایناسورها»

اثر مری پوپ آذربون

سیدمرتضا مرتضایی



«پسرپچه‌ای که آرزو می‌کند قهرمان مشت‌زنی، یا دریاسالار، یا فضانورد شود، امر واقعی<sup>۱</sup> را برمی‌گزیند. اگر نویسنده‌ای امر تخیلی<sup>۲</sup> را برمی‌گزیند، از آن‌روست که این دو قلمرو را مشتبه می‌کند.»  
کیت‌گور؛ شرحی به «تهوع» ژان پل سارتر

## در جنگل\*

بر اساس یک‌ره‌یافت علمی، «کودکان تا پنج‌سالگی نیمی از آگاهی‌های خود را دریافت می‌کنند. آن‌ها تا پانزده‌سالگی [تقریباً] تمام دانش خود را کسب کرده‌اند. پس از این، مرحله‌ی آزمون‌ها و به‌کارگیری دریافت‌ها و آگاهی‌های انسان فرا می‌رسد (از پانزده‌سالگی تا پایان عمر؛ تقریباً).»  
این‌ره‌یافت نظری، اساسی کاملاً علمی دارد. موضوعی که در این رابطه به‌رغم مسئله‌ساز شدنش کمک‌مان خواهد کرد، ناپدید شدن منبع مکتوب این تئوری علمی است؛ تا در درجه‌ی نخست، بی‌آن‌که یک تئوری علمی با چارچوب‌ها و حصارکشی‌های به‌ظاهر مستحکم محدودمان کند، از آن وام بگیریم؛ و از سوی دیگر، امکان ساخت دیگر باره‌ی جملاتش را فراهم آوریم (به یک اعتبار دیگر، رویکردی زبان‌شناختی به آن داشته باشیم).

ناگفته پیداست هر چه بیشتر در تبیین و تشریح زوایای نظری یک تئوری بکوشیم، ارزش و اعتبار علمی و حدود نظری آن روشن‌تر می‌گردد، اما پیش از گسترش و بسط دیدگاهی چنین، لازم است خلاصه‌ی کتاب را- چنان‌که میسر و مقدور است- ارایه داد تا در ادامه شرح استراتژی و فهم نظرگاه‌های این دیدگاه علمی، هم‌راستا با شمایی از داستان کتاب «سفر به دوران دایناسورها» مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

«جک» هشت و نیم‌ساله به همراه خواهر هفت‌ساله‌اش «آنی» در اطراف شهر فراگ کریک ایالت پنسیلوانیا مشغول گشت و گذار عصرگاهی‌اند. بازیگوشی آنی، جک را به داخل جنگل و یک خانه‌ی درختی می‌کشاند؛ خانه‌ی درختی پُر از کتاب آن‌ها را شگفت‌زده می‌کند؛ کتاب‌هایی درباره‌ی شهر فراگ کریک، ایالت پنسلوانیا و دایناسورها. آن‌ها با گشودن کتاب دایناسورها و تماشای تصاویر آن به دوران دایناسورها (۶۵ میلیون سال پیش) سفر می‌کنند. جک و آنی در عصر دایناسورها اتفاقات هیجان‌انگیز، دلهره‌آور و لذت‌بخشی را تجربه می‌کنند و جک در این میان از ثبت و یادداشت مشخصات ظاهری و نوع زندگی دایناسورها دریغ نمی‌کند. بالاخره آن‌ها از سفرشان خسته می‌شوند و به وسیله‌ی کتابی که درباره‌ی شهر فراگ کریک است به جنگل و خانه‌ی درختی بازمی‌گردند. جک و آنی خوشحال از این‌که به دوران دایناسورها سفر کرده‌اند و ناامید از این‌که هیچ‌کس داستان آن‌ها را باور نخواهد کرد، پیش از غروب آفتاب به سوی خانه‌شان رهسپار می‌شوند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند روزهای بعد هم به خانه‌ی درختی بروند و با کتاب‌ها سفر کنند.

حُب، خلاصه‌ی داستان این کتاب این‌طور می‌تواند باشد، یا شاید چنان‌که من خواسته‌ام، این چنین است. در این میان واژگان و جملاتی هست که ارتباط پیوسته و مطمئنی با جملات اصلی کتاب- و نه نسخه‌ی ترجمه نشده و دست‌نویس آن- نداشته باشد. بنابراین، خلاصه‌ی یک داستان از یک کتاب می‌تواند نوعی ضرورت از سوی منتقد برای طرح و تحلیل جمله‌ها و واژگان مشخص باشد. در هر صورت، توانایی جالبی می‌تواند همه چیز را به یکدیگر ربط دهد، اما مکانی که باعث می‌شود بازیگوشی آنی، برادرش را به داخل یک خانه‌ی درختی بکشاند؛ همین‌طور امکان سفر با کتاب و نیز امکان یادداشت‌های جک از زندگی دایناسورها، صرفاً امکاناتی نیست که مثلاً در ایالت پنسیلوانیا یافت شود یا در کتاب‌های قصه باشد. این امکانات سیال هستی، نه ذهنی، نه ملی و نه جدید یا قدیمی؛ بلکه دیالکتیک آگاهی است. نوعی «دانش کودکان» است که گاهی به شکل هیجان‌شان در تجربه‌های کوچک‌شان، و گاهی به صورت خیره شدن به تصویرهای یک کتاب ظاهر می‌شود.

با این حال، پدیدآورندگان و منتقدان کتاب کودک گاه مسئولیت‌شان را که شناسایی، ارزیابی و تحلیل آثار کودکان است، فراموش می‌کنند. بنابراین، توان و امکانات متنوع و سرشار آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود و چه بسا در طول سال‌های گذر به دوران دیگر عمر، دانش کودکان بی‌رنگ و محو می‌شود.



تلاشی که در این متن تحلیلی- انتقادی صورت می‌گیرد، به منظور یافتن دریچه‌هایی است به سوی کودکان و جهان فکری آن‌ها؛ نزدیک شدن به مسایل و مخاطرات پدیدآورندگان کتاب‌های علمی و تخیلی (علمی، علمی- تخیلی)؛ و خطاب به مربیان و والدین کودکان است؛ با گشودن این سرفصل‌ها:

### در جنگل: دانش و آگاهی در کودکان

این جا کجاست؟: پدیدارشناسی، هستی‌شناسی و جست‌وجوی نشانگان وجودی در داستان کتاب

سایه‌ای بزرگ: روان‌کاوی «آگاهی» و «ترس- آگاهی» در کودکان

آماده حرکت: کتاب‌های علمی- تخیلی؛ ادبیات کودک و نوجوان

بازگشت به خانه پیش از تاریکی: کتاب‌های علمی، تخیلی / علمی- تخیلی؛ پُر فروش یا کیفی؟

### هم‌چنان، موضوع آگاهی و دانش در کودکان

کودکی ۴-۵ ساله ضمن جست‌وخیز و بازی مدام با خودش می‌گفت: «چهار، پنجه؛ پنج، چهاره. چهار، پنجه؛ پنج، چهاره». پدر و مادرش بلافاصله او را متوجه اشتباهش کردند که: «چهار، چهاره و پنج، پنجه». آیا واقعاً کودک اشتباهی می‌کرده است؟ به نظر من، به هیچ‌وجه! این کودک چهارساله که به‌تازگی (۸ روز پیش) وارد پنج‌سالگی شده بود، می‌توانست عبور ظریف خویش را از شماره‌ی چهار به شماره‌ی پنج درک کند. او چهار سال و هشت روزه بود و در هشتمین روز پنج‌سالگی به سر می‌برد. این کودک اساساً نمی‌توانست تمایزی میان چهارساله بودن و در پنج‌سالگی قرار داشتن قایل شود، هم‌چنان که پدر و مادرش و ما نیز نمی‌توانیم هیچ تمایزی بین این دو قایل شویم (چون که «پنج‌سالگی این کودک» مساوی است با «چهارساله بودن او». او در جست‌وخیزها و جهش‌هایش از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر، این وضعیت را به بازی می‌گرفت. از نظر ریاضی، این کودک یکی از جنبه‌های ویژه‌ی اعداد را طرح می‌کرد؛ این که هیچ عددی- به‌طور قطع- در یک نقطه‌ی متعین (مشخص) و ثابت (از نظر زمانی و مکانی) موجودیت ندارد، بلکه هر عدد محوطه‌ای است از مجموعه‌ای از نقاط و حتی اعداد (اعداد اعشاری). در واقع، عدد پنج، محدوده‌ای بین محدوده‌های عددهای چهار و شش است و مشخصاً خود بخشی از این دو عدد است. موارد مانند این مثال بسیار است و همه واقعی و ملموس، که دانش بی‌حد و بی‌حصار کودکان را نشان می‌دهد.

یادآوری نظریه‌ی آگاهی کودکان در ابتدای این متن پس از شرح‌هایی که گذشت، چنان‌چه دانش پوزیتویسم<sup>۴</sup>، پراگماتیسم<sup>۵</sup> و متافیزیک<sup>۶</sup> را در این باره در نظر نداشته باشیم، مؤید این نکته است که وجود علوم متنوع در کودکان چندان هم نمی‌تواند دور از ذهن باشد، اما بهتر است در انتخاب و گزینش واژگان آن دقت بیشتری به خرج دهیم. بر همین اساس، چنین می‌نماید که مناسب‌تر است به جای واژه‌ی «آگاهی»، واژه‌ی «ادراک» و «دریافت» را قرار دهیم. علاوه بر این، دانش<sup>۷</sup> و آگاهی، صرفاً دربردارنده‌ی مطالب، متون و منابع طبقه‌بندی شده‌ی محافل علمی و مجموعه‌ی قراردادهای، قوانین و استانداردهای بین‌المللی نیست؛ دانش می‌تواند هستی و پدیده‌های نهفته در آن باشد که به





نوعی جریان آگاهی است و در هستی جریان دارد. به همین صورت امکان دریافت دانش جهان تنها به واسطه‌ی توان و امکان ادراک و دریافت قابل توجه کودکان اتفاق می‌افتد؛ به خصوص اگر بی‌هیچ واسطه‌ای- در ارتباط با هستی- به مطالعه‌ی آن بپردازیم، یا آن را تجربه کنیم و مورد بررسی قرار دهیم؛ درست مانند کودکان.

این کجاست؟؛ هستی‌شناسی، پدیدارشناسی و جست‌وجوی نشانگان وجودی در داستان فارغ از کند و کاو پیرامون چگونگی خلق آثار داستانی علمی- تخیلی، شناخت وجودی یک کتاب علمی- تخیلی است که چه‌طور مخاطبش را به سفری هیجان‌انگیز به سرزمین‌ها و زمان‌های دیگر می‌برد- خصوصاً برای مخاطبان چنین کتاب‌هایی-؛ همین‌طور شناخت موجودیت جهان و زبان داستانی این نوع کتاب‌ها. چگونگی این شناخت، روشی با عنوان «پدیدارشناسی»، از مجموعه فلسفه‌های «هست بودن»<sup>۱۰</sup>.

«آغاز فلسفه‌ی هست بودن را در تأملات اساساً دینی سورن کیرکگور<sup>۱۱</sup> می‌توان دانست، و امروزه اگر از فلسفه‌ی هست بودن سخن برود، غالباً فلسفه‌ی ژان پل سارتر<sup>۱۲</sup> در نظر می‌آید»؛ فیلسوفی که به همراه مارتین هایدگر<sup>۱۳</sup> از متأخران و بزرگ‌ترین اندیشمندان این مکتب فکری‌اند.

«روش پدیدارشناسی عبارت است از این که در قبال متعلق‌ها و محتوای‌های شناسایی، به آن‌چه تنها مورد نظر فیلسوفان یا اندیشمندان است، از قبیل ارج آن‌ها و واقعیت یا عدم واقعیت آن‌ها توجه نشود (مسئله‌ای که در آغاز این متن درباره‌ی دانش و آگاهی ارایه شد)، بلکه آن‌ها را چنان که می‌نمایند و عرضه می‌شوند، به عنوان صرف وجهه‌های نظر وجدان و به عنوان معانی، توصیف و ترسیم کنند و آن‌ها را چنان که هستند مرئی و آشکار سازند.<sup>۱۴</sup>» هم‌چنان که مشخصاً پدیداری دوران دایناسورها به واسطه‌ی تماشای کتاب و مطالعه‌ی کتاب مربوط به این دوره اتفاق می‌افتد. «به محض این که درباره‌ی جهان فکر کنم، جهان عینی می‌شود.» این جمله سرفصل نظریات فکری کارل یاسپرس<sup>۱۵</sup> است. یاسپرس در نظریاتش استنباط

می‌کند که:

«جهان، تمامی و جملگی عالم وجود پدیداری است؛ پس، اگر کلّ جامعی را تشکیل می‌دهد، شامل تمام امکانات وجود است.»... وظیفه‌ی انسان خواست دانش است و هدف از آن هم «خرمندی نظری است.<sup>۱۶</sup>»

چک در داستان «سفر به دوران دایناسورها» یک «من وجودی» است که به دلیل وظیفه (انتخاب) و خواست خویش در برابر دانش (هستی جنگل) به اختیار در دوران دایناسورها قرار می‌گیرد و تا آن‌جا که وجودش به او اجازه دهد، در دفترچه‌ی یادداشت خود که نماینده‌ی وجدان و زمینه‌ی دانش فکری اوست، مطالبی می‌نویسد:

«بررسی آن موجود عجیب کار خوبی بود. [چک] می‌توانست مثل دانشمندان یادداشت کند.»

(ص ۱۹)

«... آئی پرسید: «تو چه می‌کنی؟» چک گفت: «مطلب می‌نویسم. شاید ما نخستین کسانی هستیم

که در تمام دنیا یک پتر آنودون واقعی دیده باشیم.» (صفحه‌ی ۲۰)

چک در واپسین لحظات سفرشان سکه‌ای می‌یابد که روی آن حرف «M» (ام) حک شده است. تلقی او این است که حتماً پیش از او و آئی، انسان دیگری به آن سرزمین سفر کرده است.

«علامت، خود تصویری است کلی، و در زمینه‌ی هست بودن، نشان و نماینده [(Indexe f)]»، و در زمینه‌ی تعالی، رمز و رقم [(chiffre f)] می‌شود؛ اما در هر دو زمینه، کار و اثر آن یکی است و آن روشنی‌بخش تجربه‌ی بودن است. تصور کلی یا مفهوم به خودی خود و جداگانه، خالی و تهی است، تجربه نیز به تنهایی کور و فاقد بینایی است، حال آن که



تجربه به تصور کلی افاده‌ی معنی می‌کند، و تصور کلی، روشنی‌بخش تجربه است.<sup>۱۷</sup>»

«آن‌ها از جنگل بیرون رفتند و در جاده به سوی خانه راه افتادند / قدم‌زنان که در خیابان از جلوی خانه‌ها رد می‌شدند، سفرشان به زمان دایناسورها بیشتر و بیشتر به رؤیا می‌مانست. / فقط این دنیا و این زمان واقعی به نظر می‌رسید. / جک دستش را در جیبش فرو برد. سکه‌ی طلایی را در مشتش گرفت. / او پستی و بلندی حرف میم را حس کرد و نوک انگشتانش را غلغلک داد. / جک خندید: ناگهان خیلی خوشحال شد.» (ص ۶۸)

### سایه‌ای بزرگ، روان‌کاوی «آگاهی» و «ترس-آگاهی» در کودکان

پیش‌گفتار این نقد- نوشته‌ی پیرامون «آگاهی در کودکان» سرفصل این بخش را به صورت مناسبی پشتیبانی خواهد کرد، با این فرض که تجربه در کودکان به عنوان ساده‌ترین شکل مطالعه، نقش مهمی در مطالعه‌ی هستی از سوی آنان تلقی می‌شود. چنان‌که آن‌ها در انتخاب و اختیار سوژه‌های مطالعه به شکل متنوع و ساده‌ای عمل می‌کنند و ره‌آورد‌های‌شان به شکل قابل توجهی غنی، اشباع شده- و به تعبیری دیگر، کامل- است. همواره کودکان در برخورد با هستی، درجه‌های بسیار بالایی از هیجان‌آوری، غم‌انگیزی، دلهره‌آوری و نگرانی را برمی‌انگیزند. این تأثیرات ارتباط‌های سیستماتیکی با ذهن، ناخودآگاه، روان، احساسات و آگاهی دارند و نخستین هدف‌شان اثرگذاری بر شخصیت وجودی کودک (انسان) است.

از منظر هستی‌شناسی نیز نگرانی<sup>۱۸</sup> و تعالی و اختیار و زمان‌بندی<sup>۱۹</sup> مترادف‌های هست بودن است. هست بودن نگران بودن است. زیرا که انسان به یک‌باره آن‌چه می‌تواند باشد، نیست. هم‌چنان که جک در داستان «سفر به دوران دایناسورها»، آن را «واقعی واقعی» می‌داند و از این‌که هیچ‌کس داستان آن‌ها را باور نخواهد کرد. جک به هیچ‌وجه نمی‌خواهد امکان سفر به عصر دایناسورها را از خودش بگیرد، پس تصمیم می‌گیرد (انتخاب می‌کند) که این امکان را در روزهای بعد هم به کار بگیرد. جک، مادامی که هست، در برابر خود امکاناتی را می‌بیند و خود را در «پیش‌می‌اندازد» و به طرف این امکان‌ها پرتاب می‌کند. همین پیش‌نهادن و کشاکش میان آن‌چه هم‌اکنون هست و («قدم زنان... در خیابان از جلو خانه‌ها رد می‌شدند.») و آن‌چه باید بشود (عصر دایناسورها)، عین نگرانی است. موقعیت و وضعیت «جک» در داستان «سفر به دوران دایناسورها»، وضعیت «انسان» در اندیشه‌های سارتر است؛ آن‌چنان که درباره ترس- آگاهی<sup>۲۰</sup> می‌گوید:

«انسان مسئولیت گران‌باری را بر دوش می‌کشد و به تنهایی بار سنگین دنیا را متحمل است  
«بی‌آن‌که هیچ چیز و هیچ‌کس بتواند او را سبک‌بار سازد. پس، جای شگفتی نیست که احساس خاص  
مختار بودن، ترس- آگاهی باشد. ترس- آگاهی» ساخت و ریخت دائمی وجود آدمی است، اما نادر  
بودن آن، برای این است که تا اندازه‌ای استثنایی است.<sup>۲۱</sup>»

### آماده، حرکت: کتاب‌های علمی- تخیلی؛ ادبیات کودک و نوجوان

مشخصاً پرسش‌هایی پیش می‌آید که سعی دارد ویژگی‌های سبکی یک داستان علمی و علمی- تخیلی<sup>۲۲</sup> را جست‌وجو کند. آیا یک داستان علمی- تخیلی می‌تواند ویژگی‌های یک اثر ادبی را نیز داشته باشد؟ یک داستان ادبی چه‌طور می‌تواند دارای زمینه‌های علمی و رویاپردازانه‌ی سرزمین‌ها و زمان‌های بسیار دور باشد؟ اصلاً فعالیت علمی دانشمندان و نتایج و دستاوردهای علمی‌شان چه ارتباطی به نوشتن آثار ادبی و زمینه‌های خلق آثار در ادبیات دارد؟

«... لری مک کافری داستان علمی- تخیلی را... مهم‌ترین عرصه در ادبیات داستانی معاصر [قرن بیستم] نامیده، و این‌گونه داستان را به عنوان یک ژانر ادبی اصلی [یا شاخص] در صدر مهم‌ترین جهت‌گیری‌های تازه [یا نوین] در ادبیات داستانی آمریکا... جای می‌دهد... این پذیرش «رسمی» داستان علمی- تخیلی گویای چیست؟ شاید این پذیرش بیش از همه به کیفیت آثار مربوط باشد: نویسندگان داستان‌های علمی- تخیلی اکنون به همان معیارهایی دست یافته‌اند که ما انتظار داریم که در نوشته‌های «جدی» با آن‌ها مواجه شویم، اما همیشه منتقدانی بوده‌اند که بر این عقیده پافشاری کرده‌اند که داستان علمی- تخیلی پیش‌تر به چنین معیارهایی دست یافته و همیشه نیز دست کم علمی- تخیلی‌نویسان معدودی بوده‌اند که آثارشان را می‌توان با مطلوب‌ترین معیارهای ادبی مورد قضاوت قرار داد [...] مک کافری [...] داستان علمی- تخیلی سایبر پانک را در پرتو یک پدیده‌ی پسامدرنیستی کلی می‌نگرد که این پدیده همان فروپاشی مرزبندی‌های ژانری، از جمله از بین رفتن مرز میان داستان ژانری و داستان «جدی» است.»<sup>۳۳</sup>



در کتاب «سفر به دوران دایناسورها» اشاره‌ها چنان دقیق و روش‌مند است که گاه کتاب را- در حد و اندازه‌های خودش- به یک کتاب و مرجع علمی برای مخاطبانش تبدیل می‌نماید و این در حالی است که نویسنده ضمن اشاره به زمینه‌های علمی اثر، بایستی ویژگی‌های روایی و داستانی آن را نیز در نظر داشته باشد. همچنین گرایش اثر در ساده‌نویسی و اختصار زمینه‌های مناسب را برای خوانندگان به وجود آورده است. در این میان آنچه این اثر را به عنوان یک داستان مینی‌مالیستی عرضه می‌دارد، دقت و ظرافت انتخاب روایت‌های متنوع کتاب است. توجه به این نوع از کیفیت‌های اثر در جهت برجسته‌سازی ویژگی‌های اثر نیست (هم‌چنان که در بخش‌های دیگر نیز همین‌طور بود)؛ بلکه هدف تحلیل، ارزیابی و توسعه‌ی سیاست‌های وجودی یک اثر است. بر همین اساس است که می‌توان انعکاس چند ژانر مختلف را در اثرهایی این چنین یافت. شاید بخش مهمی از مسئله‌ی فروپاشی قالب‌های رایج در خلق ادبیات، توسعه‌ی سریع تکنولوژی‌های خلق آثار تصویری- تخیلی در رسانه‌های جدید باشد که از یک نظر موجب تغییر در زمینه‌های خلق و مطالعه‌ی آثار علمی- تخیلی شده است. تنوع آثاری چنین با توجه به گستره‌های آموزشی آن‌ها و نیز ژانرناپذیری‌شان در ارتباط بی‌واسطه با مخاطبان کودک و نوجوان، اهمیت این آثار را برجسته‌تر کرده است.

## بازگشت به خانه پیش از تاریکی: کتاب‌های علمی / علمی- تخیلی پُرفروش یا کیفی؟

بی‌شک ارزیابی آثار علمی- تخیلی نتایج منحصر به فردی خواهد داشت که می‌تواند بسیاری از آثار علمی- تخیلی را چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی (میزان اقبال این نوع کتاب‌ها از سوی مخاطبان) مطلوب بخواند. آنچه گاه در ارزیابی‌ها- خصوصاً در کشور ما- باعث می‌شود تلقی درستی از کتاب‌های علمی- تخیلی نداشته باشیم، به نوع آرایه و انتشار این آثار از سوی ناشران برمی‌گردد. بر همین اساس اغلب اصطلاح بازاری را به این کتاب‌ها نسبت می‌دهیم.

مشخصاً در مورد کتابی که موضوع تحلیل این نقد- نوشته بود، قطع کتاب، نوع کاغذ، نوع چاپ رنگ‌ها، صحافی و بسیار موارد دیگر دلایلی کافی هستند تا این کتاب در گرفتن فاصله از کتاب‌های بازاری موفق نباشد. به‌طور قطع، کتاب «سفر به دوران دایناسورها» و بسیاری دیگری از کتاب‌های علمی- تخیلی در گروه کتاب‌های کیفی هستند؛ اگر پرفروش هم باشند، بهتر.

### پی‌نوشت:

1 - le veel (the veal)

2 - l'imaginair (the imaginary)

\* عنوان فصل نخست کتاب «سفر به دوران دایناسورها»؛ همه‌ی عناوین سرفصل‌های این نقد نوشته از عناوین فصول کتاب است.

angoisse ۳- («ترس آگاهی»): صرف نظر از معانی خاص و مختلف آن در پزشکی، روان‌شناسی و روان‌کاوی و فرق آن از ترس، مراد از آن به‌طور کلی حالتی است روانی حاصل از احساس نوعی دل‌گرفتگی، آمیخته با بیم‌ناکی و نگرانی عمیق نسبت به امری نامتعین و ممکن‌الوقوع، نسبت به حال و آینده و سرنوشت خود. ترس آگاهی اصطلاحی است مشترک میان فلسفه‌های معروف به هستی، و کیرکگور اول بار کتابی با عنوان مفهوم ترس آگاهی (۱۸۴۴) نوشته است و آن را حالت نگرانی پیش از ارتکاب گناه و خطا دانسته است؛ حالتی وابسته به خصوصیات آدمی در احساس مختار و آزاد بودن در انتخاب راه و روش و کردار و رفتار خود و انتخاب مریبان عمل درست و صواب، یا ارتکاب خطا و گناه.

...[یکی از محرک‌های] احساس این حالت [ترس آگاهی] مربوط است به شناخت هستی. درباره‌ی وجود، ما نه می‌توانیم فکر کنیم، و نه می‌توانیم فکر نکنیم. کیرکگور می‌گوید: غیاب‌ترین آگاهی خود باز علامتی از ترس آگاهی است.

اهمیت و مهم‌ترین آگاهی در فلسفه‌ی یاسپرس کم‌تر از آن‌چه در نزد کیرکگور داشت، نیست، جز این‌که در این‌جا آن‌چه مطرح و در میان و در مخاطره است، رستگاری جاوید یا عذاب ابدی نیست، بلکه هست بودن ماست و هست بودن آن است که به استقلال از هر گونه مرجع و مأخذ واقعی و عینی، انتخاب می‌کند و برمی‌گزیند.

۴- positivist (پوزیتیویسم / positivism): دیدگاهی فلسفی که کار علم را تنها ایجاد همبستگی میان پدیده‌هایی می‌داند که به‌طور مستقیم تجربه شده‌اند.

۵ - pragmatism (پراگماتیسم): دیدگاهی فلسفی که کار اصلی علم را افزودن بر توان فنی ما در انجام دادن کارها می‌داند.

۶ - metaphysic (متافیزیک): دانشی بر اساس داده‌های مربوط به جهان غیر ارگانیک و مشاهده‌ناپذیر یا غیر قابل ترسیم.

7 - consciousness

8 - perception

9 - science

۱۰- existence: این واژه‌ی فرانسوی در ایران به «هست بودن» و «اصالت هستی فرد» (وجود) بیشتر شناخته شده است. فروید نیز معادل این واژه، «قیام ظهوری» را قرار داده است.

11- S. Kierkegaard

12- J. P. Sartre

13- Martin Heidegger

۱۴- نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن، روزه ورنو- ژان وال و دیگران، ترجمه‌ی یحیی مهدوی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۷۲؛ تهران، صفحه ۷۶

15- Kavl Jaspers

۱۶- نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن، صفحه ۱۷۶

۱۷- همان، صفحه ۱۷۲

18 -[Souci (f)]

19 -[Temporalite' (f)]

20 -[angosisse (f)]

۲۱- همان، صفحه ۲۸۲

22- Science-fiction

۲۳- ادبیات پسامدرن، گزینش و ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: نشر

